

همایون حمید :

## چند نکته در مورد رمان « پهلوان مراد و اسپه که اصیل نبود »

وقتی رمان « پهلوان مراد و اسپه که اصیل رادر نبود » دست گرفتیم با بی میلی ناشی از پیش داوری شروع به خواندن آن کردم ؛ شب صبح شد ، ولی دیدم که نمیتوانم کتاب را ببندم و به خواب روم

ببرک ارغند از دهه هفتاد به نوشتن داستان آغاز کرد ؛ نخستین مجموعه داستانهای کوتاه او در دهه هشتاد در افغانستان به چاپ رسید .

ببرک ارغند پس از سال ۱۹۹۲ به هالند مهاجر شد . ارغند در مهاجرت نیز مانند گذشته پیرو ثابت قدم سبک « ریالیزم اجتماعی » باقی مانده است . آثار که ببرک ارغند در سالیان اخیر نوشته است از جاذبه و کششی برخوردار اند که خواننده را وامیدارد آنها را تا آخر بخواند .

منتقدین و مطبوعات برون مرزی تا به حال به آثار ببرک ارغند توجه چندانی نکرده اند . این بی توجهی شاید تا حدی و در مواردی علت سیاسی داشته باشد .

«پهلوان مراد و اسپه که اصیل نبود» رمانی است در بیش از ۴۰۰ صفحه که اخیرا به چاپ رسیده است . در این رمان زنده گی پهلوانان بزکشی ترسیم شده است . مراد این زنده گی را با امید و شوق آغاز میکند ، نردبان رسیدن به سکوی قهرمانی را به سرعت می پیماید . از همین سکویی که مراد آرمان رسیدن به آن را داشت ، یک باره به عمق فاجعه سقوط میکند . مراد در عمق فقر و فاجعه و در بیچاره گی تمام ، بی آن که شاهد قهرمانی از تیپ فلم های هندی باشیم ، کرکتر عالی انسانی اش را تبارز میدهد .

وقتی رمان «پهلوان مراد و اسپه که اصیل را در نبود» دست گرفتیم با بی میلی ناشی از پیش داوری شروع به خواندن آن کردم ؛ شب صبح شد ، ولی دیدم که نمیتوانم کتاب را ببندم و به خواب روم . وقتی رمان به آخر رسید ، فکر کردم که عالیتترین فلم هنری در مورد بزکشی و پهلوانان بزکش را دیده ام . و بار دیگر به خاطر پیشداوری خودم را سرزنش کردم .

صرف نظر از این که منتقدین ادبی در باره رمان «مراد و اسپپی که اصیل نبود» چه بنویسند ، برای من – به حیث یک خواننده – این اثر یکی از بهترین رمان های افغانی باقی خواهد ماند که تا کنون خوانده ام .

برگرفته از مجلهء « آسمایی »

*[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)*